



فهرست مطالب

۲	سخن نخست
۳	مذاکره امام حسین (علیه السلام) با عمر سعد
۵	دشمن شناسی و دشمن ستیزی در زیارت عاشورا
۹	اقدامات یهود علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)
۱۲	مذاکره با آمریکا با رویکرد صلح امام حسن (علیه السلام)
۱۷	تأملات برجام در گفتمان ولایت
۲۰	ایران در سوریه؟؟؟؟
۲۴	عاشقان پرواز

انتقادات، پیشنهادات و سؤالات خود را با ما در میان بگذارید.

نمبر: ۰۷۱۵۴۴۴۶۰۲۴

Email:

mohamad qahramane@ymail.com

بسم الرحمن الرحیم

بصیرت ظهور

فصلنامه تحلیلی-سیاسی

بسیج طلاب حضرت نرگس (علیها السلام) جهرم

سال سوم، شماره دوازدهم، پاییز ۹۴

صاحب امتیاز:

حوزه نمایندگی ولی فقیه

مدیر مسئول:

سید علی اکبر حمزوی

سر دبیر:

عادلہ رنجبر

همکاران این دوره:

سمیرا رحمانیان، سعیده رحمانیان،

فاطمه توحیدی، حکیمه شعبانی

صفحه آرایی: سمیه مصلی نژاد

با تشکر از:

مسئول محترم حوزه نمایندگی

ولی فقیه در ناحیه مقاومت در جهرم:

حجت الاسلام محمد شفیع قهرمانی

«بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکیل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضاء نموده اند».

امام خمینی رحمته

پنجم آذر ماه سال روز تشکیل نهاد بسیج به فرمان حضرت امام خمینی رحمته است. بسیجی که در هر زمان با درک شرایط و موقعیت انقلاب و کشور از هیچ گونه خدمت و یاری رسانی به نظام و کشور دریغ نمی ورزند، و حیثیت امروز نظام مرهون بسیج و حضور همه جانبه بسیجیان در آن بوده است.

حضور مؤثر و مخلصانه ی بسیجیان در هشت سال دفاع مقدس، و همچنین حضور بعد از جنگ در دوران سازندگی و حضور فعالانه در امداد رسانی هنگام حوادث طبیعی، مثال زدنی است. اما ویژگی مهمی که بسیج را منحصر به فرد کرده است آن است که در هر میدانی که احساس نیاز شود، با حفظ اصل و ماهیت خود، قوی، پررنگ و فعال وارد عرصه میدان می شود؛ بخصوص امروزه که میدان مبارزه هم ابعادش وسیع تر شده و هم مکرهای دشمن قوی تر گشته است. عرصه ی جنگ نرمی که تمام باورها و اندیشه های انقلاب و اسلام را نشانه گرفته که از یک سو حیات سبک زندگی اسلامی را به مخاطره انداخته و از سوی دیگر با مانع تراشی بسیار سعی در از بین بردن پیشرفت ایران اسلامی، و به تبع آن ناامیدی ملت به خصوص نسل جوان را دارند.

بنابراین حضور بسیجیان در این میدان هم حیاتی و هم فعال تر به نظر می رسد که بصیرت خاص و دشمن شناسی دقیق را طلب می کند. مقام معظم رهبری امام خامنه ای رحمته به این موضوع حساس اشاره کرده و می فرمایند:

"من می خواهم عرض کنم: جوانان عزیز! بسیجیان عزیز! هر جای کشور که هستید، این بصیرت را روز به روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسائل کوچک، جلوی بصیرت ها را بگیرد. بصیرتتان را حفظ کنید و دشمنان را بشناسید." ۱۳۷۱/۸/۳۷

بنابراین بسیجیان باید سطح دانش و بینش سیاسی خود را بالا ببرند و با حضور مخلصانه و به موقع خود در تمام صحنه ها و با ایثار و از خودگذشتگی توطئه های دشمنان را خنثی کنند تا ان شاء الله این انقلاب را با رهبری شایسته امام خامنه ای رحمته به دست صاحب اصلی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه برسانند.



حجت الاسلام محمد شفیع قهرمانی

یکی از مسایلی که اخیراً در برخی رسانه ها مطرح گردیده و با قصد دستیابی به اهداف خاص سیاسی خود می باشند، قضیه مطرح کردن مذاکره امام حسین (علیه السلام) با عمر سعد در شب عاشورا، و دست دادن حضرت (علیه السلام) با عمر سعد ملعون است.

سؤالی که در ابتدای امر به ذهن می رسد این است که آیا چنین مسئله ای واقعاً رخ داده یا نه؟

نگاهی به تاریخ صحیح واقعه کربلا روشن می سازد که چنین اتفاقی اصلاً رخ نداده است؛ چرا که حضرت سید الشهداء (علیه السلام) عصر تاسوعا از برادرشان حضرت ابالفضل (علیه السلام) درخواست کردند که از دشمن مهلت و فرصتی بگیرند برای مناجات و راز و نیاز با خداوند متعال در شب عاشورا؛ و به ایشان فرمودند: به دشمن بگو برادرم حسین گفته "إِنِّي أَحِبُّ الصَّلَاةَ". دشمن نیز با این درخواست حضرت موافقت می کند. راوی حال و هوای حضرت (علیه السلام) و یارانش را در شب عاشورا این گونه نقل می کند: "ولهم دوی کدوی النحل ما بین راکع و ساجد و قائم و قاعد" که صدای مناجات و راز و نیاز آنها هم چون بال و پر زدن زنبور عسل هنگام رفتن به کندو بوده و دائماً در حال رکوع و سجود و قیام و قعود بودند. این واقعه نشان می دهد که حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) آن شب با خداوند متعال مذاکره داشتند نه با دشمن خدا، عمر سعد خبیث!

از سوی دیگر، حضرت (علیه السلام) ابداً با دشمن دست ندادند. چنانچه خود در فرمایشی زیبا خطاب به دشمن فرمودند: "لَا وَاللَّهِ إِنِّي لَا أُعْطِيكُمْ بَيْدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا أَفَرُّ مِنْكُمْ فِرَارَ الْعَبِيدِ" به خدا قسم من دست ذلت به شما نخواهم داد و چونان بردگان از شما فرار نخواهم کرد.

اگر عنایتی در فرمایش حضرت داشته باشیم می بینیم که آن امام عزیز دست دادن به دشمن را برای خویش نوعی ذلت و خواری می دانند و خود در جای دیگری ندای رسای "هیئات منّا الذّله" را سر می دهند.

لذا یک مسلمان قرآن محور، و شیعه صدیق حضرت ابی عبدالله علیه السلام کسی است که دست این دشمن و شیطان بزرگ را قطع کند نه اینکه با او دست دهد!

و اینجاست که مقام معظم رهبری رحمته الله علیه به تبعیت از پیر مراد خویش مرحوم امام امت رحمته الله علیه فرمودند: "آمریکا شیطان بزرگ است که برخی تلاش دارند او را به عنوان فرشته نجات بزرگ معرفی کنند" و به همین دلیل فرمودند: "مذکره با آمریکا فقط در مورد مسائل هسته ای است و لا غیر."

امید است همه ما و مسؤولان، پیام عزت خواهی حضرت سید الشهدا علیه السلام را با تمام وجود فرا گرفته و در تبعیت از حسین زمانمان امام خامنه ای عزیز رحمته الله علیه لحظه ای کوتاهی و غفلت نکنیم.

ناگفته نماند که دست دادن شخص با طرف مقابل این پیام را به دنبال دارد که فرد به طرف مقابل خود با زبان بی زبانی می گوید من همدست تو و هم فکر و همکار توأم، و قطعاً حضرت سید الشهدا علیه السلام با دشمن نابکار دست همکاری نداده است؛ چرا که اندیشه و باورش با آیات نورانی و عزت آفرین قرآن عجین شده؛ نه، بلکه خود قرآن ناطق است که طبق فرموده قرآن مجید دست دشمن خدا که آغشته به ظلم و ستم بندگان خداست باید قطع شود که از باب نمونه فرمود: "تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ" هر دو دست ابو لهب بریده باد!

که مصادیق ابولهب در عصر حاضر سردمداران جنایتکار آمریکا و اسرائیل و... از جمله اواما، نتانیاهو و... می باشند که این آیه در مورد آن ها تطبیق می کند و می توانیم بگوییم هر دو دست اواما بریده باد! چرا که آغشته به خون مظلومین عالم خصوصاً شیعیان مظلوم در عراق، سوریه، لبنان، بحرین، یمن، پاکستان و... است.

عادلہ رنجبر

در فرازی دیگر از عاشورا می‌خوانیم: "وَلَعَنَ ابَاسْفِیَانِ وَ مَعَاوِیَہ..." اباسفیان در حادثہ عاشورای ۶۱ هجری نقش مستقیمی ندارد، اما با این عبارت، شیعہ بصیر آگاه می‌فهمد که باید هم جبهه های پشت سر را ببیند و هم جبهه پیش رو را، که صدام دیروز و داعش امروز همه ی آنها زیر پرچم آمریکا به وجود آمده و تقویت و حمایت شده اند. و امروز شیعه باید بتواند افق های دور را ببیند تا بتواند زمینه ساز ظهور موعود علیه السلام شود.

زیارت عاشورا، به‌عنوان راهبرد شیعه در برخورد با دوستان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام، ویژگی خاص خود را دارد که همان بحث "تولی و تبری" است. آنچه در زیارت عاشورا بسیار ملاحظه می‌کنیم، "لعن" نسبت به گروهی و "سلام" نسبت به گروهی دیگر است. البته تعداد لعن‌ها در این زیارت نسبت به سلام‌ها بیشتر است که این هم جای تأمل دارد، و در ادامه بدان اشاره می‌کنیم.

در زیارت عاشورا می‌خوانیم: "قَلَعَنَّ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ" یعنی همان اصول و قوانینی که مقدمات "اول ظالم ظلم" را به وجود آورد، هرچند که ممکن است به ظاهر منطقی جلوه نماید، اما ریشه ی اعتقادات و باورهای مردم نسبت به اهل بیت را می‌سوزاند تا اولین ظلم به اهل بیت در سقیفه رقم زند، حق ولایت به یغما رود و دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله سیلی بخورد. اگر کسی بگوید شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام محصول عاشورای ۶۱ هجری بود، در دشمن شناسی ضعیف است، زیرا از سال ۱۱ هجری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند، تا سال ۶۱ هجری، ۵۰ سال حلقه مفقوده را از نظر انداخته است، و آنان که کشته شدن محسن را تماشا کردند؛ سند "تیر به اصغر زند" امضا کردند.





در لعن های زیارت عاشورا به دو جمله

برمی خوریم:

۱- وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقَاتِكَ

۲- وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ

"لعنت خدا بر کسانی که اسبها را زین کردند و لگام زدند و سبقت گرفتند به کشتن تو- لعنت خدا بر کسانی که زمینه ساز شهادت تو بودند"

این عبارت نشان می دهد اگر کسی در سپاه دشمن فقط اسبی زین کند و یا دهنه بزند و حتی کمتر از آن، قطعاً در زمره دشمن به حساب می آید و روز قیامت گرفتار عذاب خواهد بود. چرا که یک راه مستقیم بیشتر وجود ندارد و غیر از آن بقیه همه ضلالت و گمراهی است، حد وسطی نداریم.

آنقدر دشمن شناسی در اسلام اهمیت دارد که "فروختن اسلحه به کفار" جزء گناهان کبیره شمرده شده است؛ یا استفاده از ابزاری که باعث تقویت جبهه ی کفار باشد چه در بُعد روانی و تبلیغاتی همچون "ماهواره" و چه در بُعد اقتصادی همچون "خرید کالاهای صهیونیستی و آمریکایی". امروزه اگر کسی یک ریال به اسرائیل و امریکا کمک کند مصداق "اسرعت و الجمت" است.

نمونه امام شناس و دشمن شناس واقعی حضرت عباس (ع) است. وقتی امان نامه برایش آوردند، جواب دندان شکنی به شمر ملعون داد که همه را متحیر کرد. تازه در شب عاشورا وقتی اباعبدالله (ع) خطاب به اصحاب فرمود بیعت را از شما برداشتم، اولین نفری که اظهار ارادت کرد، حضرت ایشان بود. لذا امام صادق (ع) فرمود: «کان عمنا العباس نافذ البصیره و صلب الایمان...»



امروزه به نظر می‌رسد که طرح حذف شعار «مرگ بر آمریکا» با استفاده از خاطرات مرده و موارد شبهه‌ناک - از سوی هر کس و یا گروهی که باشد - مغایر با اهداف انقلاب اسلامی است؛ زیرا آمریکایی‌ها هر روز از روزهای قبل بر دشمنی خود با پیشرفت اهداف انقلاب اصرار ورزیده و از اظهار دشمنی آشکار با انقلاب و موفقیت‌های آن ابایی ندارند.

و البته گروه‌هایی هستند که در میانه ی راه، از مسیر حق برگشته و به هر بهانه ای وارد جبهه ی باطل می شوند. "وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا" باید از عمر سعد که روزی همبازی و همراه امام حسین (ع) بود و از شمر که شانه به شانه حسین (ع) - قریب به ۲۷ ماه - در جنگ صفین جنگیده و امتیاز جانبازی را در سپاه امیرالمؤمنین علی (ع) کسب کرده، به دلیل گرایش به زرق و برق دنیا و لجاجت و عقده‌گشایی در برخورد با اهل بیت (ع) با ذکر نام و عنوان یاد کرد .

در جبهه مخالفین انقلاب، گاهی بعضی‌ها با خانواده و تیره و تبار به عرصه مبارزه با انقلاب و اهداف آن وارد می‌شوند. راهبرد زیارت عاشورا این است که نام این خاندان‌ها نیز باید صریح افشا شود تا نیروهای خودی از نفوذ و آسیب آنها در امان باشند، حتی اوصاف ننگین آنها مثل ویژه‌خواری، جگرخواری و... را باید نام برد:

"وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً... آل ابی سفیان و آل مروان... و ابن اكله الاكباد"

این قبیل خانواده‌ها را در مسیر مبارزه با انقلاب اسلامی ایران و دست‌اندازی آنها به گلوگاه‌های اقتصادی کشور در رسیدن به اهداف شوم می‌توان به عیان مشاهده کرد.

در نتیجه آنچه از بحث دشمن شناسی زیارت عاشورا برای ما ملموس است اینکه اذعان کنیم ما نه تنها در دوست شناسی و دشمن‌شناسی ظاهرنگر و احساساتی و اسیر جوّ و شایعات نیستیم، بلکه کاملاً با بصیرت امور را تعقیب می‌کنیم. لذا ابتدا نه یزید و شمر، بلکه بنیانگذاران جریان انحرافی و پایه‌گذاران ظلم را لعنت می‌کنیم، و ظلم را نیز صرفاً در کشتن، ترور یا قتل عام نمی‌بینیم، بلکه می‌گوییم: ظلم بزرگ‌تر، دور کردن شما از مقام و رتبه‌ای خلافت و حکومت است که خدا آن را برای شما قرار داده است و نه برای جهال و ظالمین. و در درجه‌ی آخر لعنت می‌کنیم، و دور از رحمت می‌شناسیم کسانی را که اقدام به جنگ کردند. و نه تنها آنان را، بلکه هر کس یا جریانی که به آنان کمک کرده است. و اعلام برائت از آنان می‌کنیم و با بیان "الی یوم القیامة" اذعان می‌کنیم که این موضع‌گیری، فقط مخصوص یک حادثه در یک برهه از تاریخ نیست، بلکه همیشگی است که:

"کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا".

حکیمه شعبانی

تاریخ به خوبی نشانگر این مطلب است که یهودیان، همان اسرائیل امروز، ریشه اصلی تروریسم، همیشه به دنبال سلطه و منافع خود بوده اند به طوری که پیامبر زمان خود، حضرت عیسی (علیه السلام) را به پیامبر مفقود الاثر تاریخ تبدیل کرده و در طرفداران وی نفوذ کردند و چون در کتاب تورات، با اوصاف پیامبر آخر الزمان و دین او و هدفش اطلاعات کاملی داشتند، اینک به دنبال برنامه و راهی برای مقابله با آخرین تهدید علیه خود گشتند .

به طور کلی برنامه این گروه منفعت طلب تاریخ را می توان در ۴ مرحله طراحی شده عنوان کرد:



۱- از بین بردن اطلاعات مبنی بر ظهور پیامبر آخر الزمان

حتی با وجود این که کتاب تورات به وضوح و کامل، ویژگی جسمی و چهره پیامبر آخر الزمان را معرفی کرده بود، اما یهودیان آن را تحریف کردند. ولی این کارشان هم نتوانست مانع معرفی و شناخت پیامبر ﷺ شود، چرا که به طور کلی همه مردم از اوصاف ایشان اطلاع داشتند و چیزی نبود که فقط با از بین بردن کتاب، مانع آن شد.

۲- ترورشخصیت پیامبر و نقشه قتل ایشان

از دیگر اقدامات این سازمان، ترور شخصیتی پیامبر ﷺ و فقیر و حقیر جلوه دادن ایشان و تهدید و مسخره کردن حضرت خدیجه علیها السلام به هنگام ازدواج با پیامبر ﷺ می توان نام برد که تاریخ به صراحت آن را بیان می دارد.

۳- ایجاد موانع جهت جلوگیری از رسیدن به قدس، محور اصلی فعالیت یهود

از آنجا که قدس مهم ترین مرکز جهت رفت و آمد کاروانیان از تمام سرزمینها بود، می توانست بهترین مکان برای اشاعه ای حکومت و فرهنگ اسلامی باشد که یهود به شدت با آن مخالفت می کرد و از آنجا برای اعلام مخالفت ها و تفرقه افکنی ها استفاده می نمود.

۴- نفوذ در حکومت اسلامی و تهدید و تطمیع طرفداران آن

از دیگر اقدامات این سازمان تروریستی به ایجاد نفاق و اختلاف میان اقشار مسلمین می توان نام برد که این اختلاف افکنی تا امروز به وضوح در همه جا به خصوص در سالهای اخیر در کشورمان مشاهده می شود.



اما دشمنی اصلی و صریح یهود با پیامبر ﷺ با ورود ایشان به مدینه آغاز شد. هر چند در ابتدای اسلام و تغییر نظام قبیله ای به حکومت اسلامی، میان پیامبر و یهودیان، طی عهد نامه ای، به حقوق آنها احترام گذاشته شده بود اما به مرور زمان که یهودیان وجود نظام اسلامی را در مدینه معارض با منافع خود دیدند، همکاری با مشرکان و منافقان را آغاز کردند. این سازمان بعد از آنکه نتوانست مانع از ولادت و رسالت پیامبر ﷺ شود، شروع به ترور شخصیتی پیامبر ﷺ و تهاجم روانی ایشان و بیان مطالبی از قبیل بی سواد بودن پیامبر ﷺ، بی ارزش جلوه دادن بعثت ایشان، ترسیدن و تردید داشتن نسبت به جبرئیل، کذب بودن ... نمود.

انسان عاقل با اندک تامل متوجه خواهد شد که سازمان یهود، همان غده سرطانی که حضرت امام آن را شیطان بزرگ معرفی نمودند، همان تروریسم زمان پیامبر ﷺ است که برای رسیدن به اهداف سلطه طلبانه خود حاضر شد، منجی آخرالزمان را فدای دنیا طلبی خود کند. برای چنین شیطان بزرگی کشتن زنان و کودکان، رنگ آمیزی نقاشی صفحه تاریخی است که آن را از قبل از ولادت پیامبر ﷺ، طراحی کرد.

ولعن الله اسرائیل.



سعیده رحمانیان

۲- حفظ جان شیعه

اگر من با معاویه مصالحه نمی‌کردم احدی از شیعیان ما بر روی زمین نبود؛ مگر این که کشته می‌شد!^۲



یکی از حوادث مهم تاریخی که بسیار محل بحث و گفتگوی کارشناسان اعم از مخالفان و موافق در طول تاریخ بوده است، ماجرای صلح امام حسن (علیه السلام) با معاویه بن ابوسفیان بوده است. و با توجه به این که در زمان حاضر، عده ای شرایط ایران امروز را با شرایط زمان آن حضرت مقایسه و تطبیق می دهند، در این نوشتار سعی بر این داریم به علل و عوامل این صلح را مورد بررسی قرار دهیم.

عوامل صلح امام حسن (علیه السلام) عبارتند از:

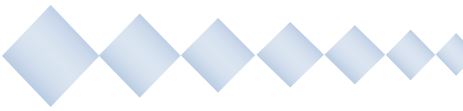
۱- نبود سپاه منسجم

مهم‌ترین عاملی که به نوعی ریشه بقیه دلایل می‌تواند باشد، نبود سپاه منسجم و یارانی وفادار و با معرفت بوده است.

به عبارتی، نبود سپاه منسجم و وفادار زمینه را برای شکست امام و کشتار شیعیان فراهم می‌کرد؛ از طرفی دشمن خارجی هم که در صدد انتقام از مسلمین بود، از این اوضاع به نفع خودش و نابودی مسلمین استفاده می‌کرد و خدا می‌داند که چه اتفاقی می‌افتاد.^۱

۳- خطر دشمن خارجی

از نظر سیاست خارجی آن روز، جنگ داخلی مسلمانان به سود جهان اسلام نبود؛ زیرا امپراتوری روم شرقی که ضربه‌های سختی از اسلام خورده بود، همواره مترصد فرصت مناسبی بود تا ضربه موثر و تلافی جویانه‌ای بر پیکر اسلام وارد کند و خود را از نفوذ اسلام آسوده سازد.



آیا در چنین شرائطی، شخصی مثل امام حسن (علیه السلام) که رسالت حفظ اساس اسلامی را به عهده داشت، جز این راهی داشت که با قبول صلح، این خطر بزرگ را از جهان اسلام دفع کند، ولو آن که به قیمت فشار روحی و سرزنش های دوستان کوتاه بین تمام شود؟

و البته عده ای سعی داشتند با تطبیق شرایط امروز ایران اسلامی با شرایط امام حسن (علیه السلام) سعی در توجیه صلح و در ادامه رابطه بین ایران و آمریکا داشته باشند که در این رابطه نکاتی قابل توجه است.

نکته دوم: اهل تاریخ سه دلیل عمده برای صلح امام حسن (علیه السلام) برشمردند: قدرت دشمن؛ قلت نیروی داخلی و تشتت بین خودی ها و خیانت اطرافیان. و حال کدامیک از این سه مؤلفه امروز حاکم است که باید صلح حسنی تکرار شود؟؟ آیا طرف غربی را قدرت مطلق و برتر در مقابل جمهوری اسلامی پنداشتیم؟ خود آمریکایی ها چنین باوری ندارند.

دوم نیز تشتت بین مردم و تصور عدم همراهی امت اسلامی برای مقاومت مقابل زیاده خواهی هاست که مردم ما اهل مقاومت و ایستادگی هستند؛ ممکن است با تعریف یک جریان سیاسی از مقاومت مخالف باشند اما هویت تاریخی و دینی این مردم گواه است که در بزنگاه ها، غیرت و عزت و غرور خود را فدای نان و معیشت نکردند.

سوم نیز خیانت اطرافیان امام حسن (علیه السلام) بود که این مؤلفه نیز مصداقی برای امروز ندارد و حداقل مردم ما چنین باوری از مسئولین خود نداشته و ندارند. مردم تیم مذاکره کننده را با غیرت و امین و شجاع و متدین می شناسند و دولت محترم را هم خائن نمی دانند.

نکته اول: صلح امام حسن (علیه السلام) را باید در گفتمان مقاومت دید. صلح حسنی نرمش قهرمانانه ای برای شکل گیری یک نهضت ضد استکباری بود. انعطاف جبهه حق برای خیز مجدد علیه جبهه باطل توجیه دارد. این تعریف از صلح با پذیرفتن جنایتکاری همچون آمریکا به عنوان کدخدا و قرار دادن آن در رأس هرم نظم نوین جهانی نه نرمش قهرمانانه، بلکه پذیرفتن ذلت دانست.



چرا مذاکره با آمریکا نفعی ندارد؟

تقابل آمریکا با ایران (و البته سایر کشورهای جهان)، تقابلی فرهنگی - تمدنی است. به چالش کشیدن هویت مذهبی و اخلاقی جامعه ایران و نفوذ فرهنگ سکولار و آمریکایی در کشور (نفوذ فرهنگی) دیگر نگرانی ایرانیان از خطر سازش و مصالحه با آمریکاست.

"مذاکره با آمریکا نفعی ندارد"، این شاید مهم ترین جمله رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر ایشان با فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران بود.

۱-پیش فرض اول: مذاکره کلید

حل مشکلات داخلی ایران

نخستین پیش فرض چنین بحثی، بر مبنای این تصور عامیانه قرار دارد که مذاکره و رابطه با امریکا، حل المسائل و یا همان "کلید" رفع مشکلات کشور به ویژه مشکلات اقتصادی و معیشتی است. نگاهی به برخی از ضررهای متعددی که رهبر انقلاب بدان اشاره کردند، بهتر می تواند منطق اشتباه و معیوب مدافعان مذاکره را نشان دهد:

و اما پیش فرض های اشتباهی که حامیان مذاکره ایران با امریکا مرتکب شدند آن است که مبنای دفاع از مذاکره و رابطه با امریکا، بر دو پیش فرض القایی بنا نهاده شده است. دو پیش فرضی که رهبر انقلاب، بارها و بارها و به خصوص در بیانات اخیر خود بر آن دست گذاشتند و بدان پاسخ دادند. به طوری که می توان گفت، کلیدی ترین بخش بیانات رهبر انقلاب بر همین موضوع، یعنی تبیین **بیهودگی ذاتی مذاکره با امریکا** و **منفعت نداشتن این مذاکره** اختصاص داشت.



- شکستن غرور ملی ایرانیان، القای ناکارایی گفتمان مقاومت در بین ملت‌های امیدوار به ایران و احیای هژمونی آمریکا بعنوان تنها ابرقدرت دنیا
- مذاکره و رابطه دلیلی بر عقب نشینی ایران و موفقیت سیاست های تهاجمی آمریکا علیه ایران و همچنین تثبیت ابرقدرتی آمریکا و نظام تک قطبی
- مذاکره یعنی نفوذ که در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی روی خواهد داد.

۲-پیش فرض دوم: مذاکره با آمریکا، هم تراز مذاکره با دیگر کشورها

پیش فرض دیگر حاملان پروژه مذاکره، آن است که مذاکره و در نتیجه رابطه با ایالات متحده آمریکا، تفاوت و تباینی با مذاکره با دیگر کشورها به خصوص قدرت های بزرگ جهانی ندارد و اگر آمریکا ماهیتی استکباری دارد، بریتانیا، روسیه، فرانسه و حتی چین نیز در مقطعی علیه منافع ملی ایران، عمل کرده اند و حتی در حال حاضر نیز با دخالت های نظامی، سیاسی و فرهنگی، نقش فعالی علیه سیاست های جمهوری اسلامی در منطقه و جهان دارند.

اما خصومت آمریکا با ایران و نیز جمهوری اسلامی دارای ماهیتی ذاتی و چند وجهی است:

اول آنکه، اختلاف ارزش ها و ایدئولوژی دو نظام، عامل تشدیدکننده تنش و دشمنی ایالات متحده با جمهوری اسلامی است.

نگاهی به آرا و افکار حضرت امام رحمته الله نشان می دهد که از دیدگاه ایشان، دولت استکباری آمریکا مصداقی روشن از ترکیب سه گانه قوای جاهله هستند. اشاره امام رحمته الله به شیطان اکبر بودن آمریکا (غلبه قوه شیطنت)، سلطه جویی و استعمارگری آمریکا (غلبه قوه غضبیه) و اباحی گری و اشاعه فحشا در جهان به سردمداری این دولت (غلبه قوه شهویه) در جای جای کلام ایشان، مویدی بر چنین برداشتی از دیدگاه سیاسی ایشان است.

۳- پیش فرض سوم: دشمنی ایران با آمریکا، نه بالعکس

افرادی سعی در القا این موضوع دارند که بگویند علت این همه خصومت، "دشمنی ایران با آمریکا" است. در این گزاره، ریشه دشمنی و خصومت دو کشور، یعنی اقدامات عداوت جویانه و کینه توزانه آمریکا از کودتای ۲۸ مرداد تا اکنون به طور عامدانه نادیده گرفته می شود که البته با مراجعه به تاریخ نه چندان دور و محاسبات سر انگشتی موردهای بسیار متعددی از این خیانت ها و دشمنی ها و کینه های تمام ناشدنی خواهیم یافت و البته جای تعجب است چرا بعضی ها نمی خواهند ببینند؟!!!

بر همین اساس است که رهبر انقلاب در جایگاه تعیین کننده ی سیاست های اصلی نظام، در صورت وجود فایده ای برای این رابطه، به صراحت، اعلام کرده اند حتی خود پیشاهنگ برقراری رابطه خواهند شد:

«آن روزی که رابطه با آمریکا مفید باشد، اول کسی که بگوید رابطه را ایجاد بکنند، خود بنده هستم.»

بیانات رهبر انقلاب در حرم رضوی،

۸۸/۱/۱

و در پایان می توان به این جمع بندی رسید که صلح امام حسن (علیه السلام) و مقایسه ی آن با شرایط فعلی قیاس کاملاً اشتباهی است که همه ی ما باید بدان بصیرت داشته باشیم.

۱- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی/ص ۱۰۳/به نقل از الارشاد/مفید و الفصول المهمه فی معرفه الائمه/ابن صباغ مالکی

۲- بحار الأنوار/علامه مجلسی/دار احیاء التراث عربی / ج ۴۴/ ص ۱

پی نوشت ها:



سمیرا رحمانیان

در نامه مقام معظم رهبری دامت‌السلام به ریاست محترم جمهوری کشور، چند نکته قابل تأمل وجود دارد که توجه به این نکات، در تحلیل مسائل هسته ای کمک می کند. نکاتی که مقام معظم رهبری به آن ها اشاره فرموده اند عبارتست از:

۱- سوابق دشمنی و عناد دولت آمریکا با جمهوری اسلامی ایران:

ایشان با اشاره به سابقه لجاجت و عناد کشور و دولتمردان آمریکا در نامه به جناب آقای روحانی نوشتند:

جنابعالی با سابقه‌ی چند دهه حضور در متن مسائل جمهوری اسلامی، طبعاً دانسته‌اید که دولت ایالات آمریکا، در قضیه‌ی هسته‌ای و نه در هیچ مسئله‌ی دیگری، در برابر ایران رویکردی جز خصومت و اخلال در پیش نگرفته است و در آینده هم بعید است جز این روش عمل کند. اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا در دو نامه به اینجانب مبنی بر اینکه قصد براندازی جمهوری اسلامی را ندارد، خیلی زود با طرفداری‌اش از فتنه‌های داخلی و کمک مالی به معارضان جمهوری اسلامی، خلاف واقع از آب درآمد و تهدیدهای صریح وی به حمله‌ی نظامی و حتی هسته‌ای - که می تواند به کیفرخواست مبسوطی علیه وی در دادگاه‌های بین‌المللی منتهی شود- پرده از نیت واقعی سران آمریکا برداشت. صاحب‌نظران سیاسی عالم و افکار عمومی بسیاری از ملت‌ها، به وضوح تشخیص می دهند که عامل این خصومت تمام‌نشدنی، ماهیت و هویت جمهوری اسلامی ایران است که برخاسته از انقلاب اسلامی است.

۲- فریب کاری دولت امریکا

مقام معظم رهبری در ادامه نامه، با توجه دادن به فریبکاری و نیرنگ بازی دولت امریکا در مذاکرات هسته ای و نقض عهدها و همراهی با رژیم غاصب صهیونیست فرمودند: چگونگی رفتار و گفتار دولت آمریکا در مسئله هسته ای و مذاکرات طولانی و ملال آور آن، نشان داد که این نیز یکی از حلقه های زنجیره ی دشمنی عنادآمیز آنان با جمهوری اسلامی است. فریب کاری آنان در دوگانگی میان اظهارات اولیه ی آنان که با نیت قبول مذاکره ی مستقیم از سوی ایران انجام می شد، با نقض عهدهای مکرر آنان در طول مذاکرات دو ساله و همراهی آنان با خواسته های رژیم صهیونیستی و دیپلماسی زورگویانه ی آنان در رابطه با دولتها و مؤسسات اروپایی دخیل در مذاکرات، همه نشان دهنده ی آن است که ورود فریب کارانه ی آمریکا در مذاکرات هسته ای، نه با نیت حل و فصل عادلانه، که با غرض پیشبرد هدفهای خصمانه ی خود درباره ی جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

همچنین ایشان با اشاره به این که امریکا هرگز نمی تواند دست از دشمنی خود با ما بردارد علت ادامه دشمنی ها را چنین برشمرده اند: ایستادگی بر مواضع بر حق اسلامی در مخالفت با نظام سلطه و استکبار، ایستادگی در برابر زیاده طلبی و دست اندازی به ملت های ضعیف، افشای حمایت آمریکا از دیکتاتورهای قرون وسطائی و سرکوب ملت های مستقل، دفاع بی وقفه از ملت فلسطین و گروه های مقاومت میهنی، فریاد منطقی و دنیاسند بر سر رژیم غاصب صهیونیست، قلمهای عمده ای را تشکیل می دهند که دشمنی رژیم ایالات متحده ی آمریکا را بر ضد جمهوری اسلامی، برای آنان اجتناب ناپذیر کرده است؛ و این دشمنی تا هنگامی که جمهوری اسلامی با قدرت درونی و پایدار خود، آنان را مأیوس کند ادامه خواهد داشت.

۳- حفظ اقتدار نظام

ایشان مثل همیشه تأکید بر حفظ اقتدار نظام و لغو همه تحریم ها و عدم وضع تحریم جدید فرمودند:

از آنجا که پذیرش مذاکرات از سوی ایران اساساً با هدف لغو تحریمهای ظالمانه‌ی اقتصادی و مالی صورت گرفته است و اجرائی شدن آن در برجام به بعد از اقدامهای ایران موکول گردیده، لازم است تضمین‌های قوی و کافی برای جلوگیری از تخلف طرفهای مقابل، تدارک شود، که از جمله‌ی آن اعلام کتبی رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا مبنی بر لغو تحریمها است. در اعلام اتحادیه‌ی اروپا و رئیس‌جمهور آمریکا، باید تصریح شود که این تحریمها به کلی برداشته شده است. هرگونه اظهاری مبنی بر این که ساختار تحریمها باقی خواهد ماند، به‌منزله‌ی نقض برجام است.

ثانیاً: در سراسر دوره‌ی هشت‌ساله، وضع هرگونه تحریم در هر سطح و به هر بهانه‌ای (از جمله بهانه‌های تکراری و خودساخته‌ی تروریسم و حقوق بشر) توسط هر یک از کشورهای طرف مذاکرات، نقض برجام محسوب خواهد شد و دولت موظف است طبق بند ۳ مصوبه‌ی مجلس، اقدامهای لازم را انجام دهد و فعالیتهای برجام را متوقف کند.

در پایان ایشان همچنان بر این مساله تأکید نمودند که جمهوری اسلامی با عزم راسخ به دنبال عزت بخشی روزافزون نظام می باشد و در این راه لحظه‌ای آرام نخواهد نشست.

فاطمه توحیدی

حضور ایران در سوریه به چه دلیلی می باشد؟

این سوالی است که شاید خیلی ها در ذهن داشته باشند که باید اینگونه پاسخ داد با توجه به روابط تهران با دمشق در طول تاریخ بر اساس منافع استراتژیک مشترک، از سویی خنثی کردن قدرت ایالات متحده و اسرائیل در خاورمیانه و از سوی دیگر ایجاد موازنه در برابر دولت‌های معاند عرب، به هم تکیه دارند.

سوریه مزایای استراتژیک برای ایران دارد از جمله: دروازه استراتژیک به سوی جهان عرب، سدی در برابر قدرت آمریکا و اسرائیل و شاید مهمتر از همه یک پل ارتباطی مهم برای دسترسی به حزب‌الله لبنان است.. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام‌طه معتقد است رژیم سوریه بخش مهمی از «محور مقاومت در برابر اسرائیل و خط مقدم مبارزه ایران با آمریکا» است.

جنگ بین ایران و عراق همکاری‌های بین ایران و سوریه را محکم‌تر کرد. سوریه، ایران را در جریان جنگ با عراق حمایت کرد و برای بهره‌گیری بهتر از اتفاق میان ایران و حزب‌الله لبنان، سوریه تلاش کرد اتحاد نزدیکی با ایران برقرار کند.

از سویی ایران و حزب‌الله از منافع سوریه در مقابل تهدیدات خارجی دفاع می‌کنند. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ برای رژیم سوریه به مثابه یک تهدید بود. این رژیم تصور می‌کرد که هدف احتمالی بعدی آمریکا، تغییر رژیم در این کشور است. دمشق، جنگ حزب‌الله لبنان و اسرائیل را در سال ۲۰۰۶ یک پیروزی برای خود نیز تلقی می‌کرد.

چون برای اولین بار یک نیروی مسلح عرب توانست در برابر حملات اسرائیل مقاومت کرده و به رغم متحمل شدن تلفات سنگین، آنها را عقب براند. حزب الله کاملاً به سلاح‌های ایران و تاکتیک‌های نظامی ایران متکی بود.

بسیاری از سلاح‌هایی که از تهران به سوی حزب الله روانه می‌شوند از خاک سوریه می‌گذرند. از بین رفتن مسیر سوریه به لبنان می‌تواند مانع از تجهیز دوباره حزب الله توسط ایران در جنگ‌های آتی با اسرائیل شود. چنین سناریویی می‌تواند اسرائیل را بیش از قبل بر آن دارد که نه تنها به حزب الله بلکه به تجهیزات هسته‌ای ایران حمله کند. وجود هزاران موشک حزب الله که بعضی از آنها می‌تواند تل‌آویو و دیگر شهرهای مهم اسرائیل را هدف بگیرد، به منزله بهانه‌ای برای انجام اقدام بازدارنده توسط اسرائیل است.

رابطه امنیتی و نظامی سوریه با ایران پس از این جنگ افزایش پیدا کرد. و ایران، به عنوان قدرتمندترین و مهم‌ترین حامی حزب الله، حمایت خود را از طریق آموزش نیروهای کلیدی امنیتی و نظامی و کمک به افزایش ظرفیت‌های نظامی این کشور افزایش داد.



البته تلاویو در حال حاضر یک گام در پیشبرد فضای جنگ در منطقه پیش افتاده است. اگر تا دیروز اسرائیل دائماً بهانه پرونده هسته ای ایران را برای آغاز یک جنگ می آورد، امروزه بهانه تازه ای برای جنگ افروزی در خاورمیانه به دست آورده است، بهانه ای که می تواند غرب را به انجام یک عملیات نظامی تمام عیار در منطقه تحریک کند. اسم این پرونده جدید "سلاح شیمیایی سوریه" است، که دیگر برای همگان روشن شده که تلاویو تلاش بسیاری را برای تحریک رسانه ها با هدف تحریک جامعه غربی، در راس آنها ایالات متحده، آغاز کرده با این شایعه که سوریه از خط قرمز گذشته است و به این ترتیب دمشق می تواند از سلاح های شیمیایی علیه آن نیز استفاده کند.

ایتی بارون، فرمانده واحد مطالعات در شاخه امنیت نظامی اسرائیل : هدف اصلی سوریه نیست، ایران است. ما اگر بتوانیم در برابر خط قرمز استفاده از سلاح شیمیایی در سوریه با جدیت تعامل کنیم آن گاه بر سر خط قرمزی که بر سر پرونده هسته ای ایران گفته شده نیز می توانیم با جدیت برخورد کنیم.

بنابراین می توان گفت که اسرائیل با پیگیری این سیاست چند مجهولی به دنبال منافع متعددی در منطقه است. اگر اسرائیل خود چراغ سبز بگیرد که به طور نظامی وارد سوریه شود و به جنگ با سوریه برخیزد، گمان می کند که می تواند برنده این جنگ باشد. اما اگر نتواند این چراغ سبز را بگیرد طبیعتاً واشنگتن را وادار خواهد کرد که برای راضی نگه داشتنش سلاح و کمک های نظامی بیشتری دریافت کند و تحریم های بیشتری را متوجه تهران کند و در پرونده فلسطینی نیز شروطش برای حل این پرونده را بپذیرد.

همه این ها در حالی است که همچنان نمی خواهد به کسی تضمین دهد که دست از گزینه نظامی بر می دارد بلکه تنها خواهد گفت که در بهترین حالت آن را به تعویق خواهد انداخت.

این کشور همچنین از حضور اسرائیل به عنوان متحد غرب و رژیمی که از قدرت هسته ای برخوردار است، در نزدیکی خود ناخشنود است. از سوی دیگر این احتمال وجود دارد که اسرائیل به رقیب سلطه روسیه بر بازار گاز طبیعی اروپا تبدیل شود. بنابراین سعی خود را برای مبارزه با دشمنان سوریه به عنوان موازنه قدرت انجام می دهد.

جمهوری اسلامی ایران در درگیری های فعلی سوریه نقشی حیاتی ایفا می کند. ایران حتی پیشتر از روسیه، بزرگ ترین حامی رژیم سوریه محسوب می شود و البته مقامات روسیه، ایران و شیعیان را سردمدار موج اسلامی در خاورمیانه می دانند. علاوه بر این، روسیه با چالش هایی از سوی مسلمانان سنی در خود روسیه و در کشورهای مسلمان همجوار روبرو است.

بنابراین حضور ایران در سوریه به عنوان خط مقدم مقابله با آمریکا و به دنبال آن بالا بردن امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می باشد.



با چشم بصیرت بنگر که
اگر جانخ نثار و مجاهدت سربازان سید علی نبود ما اکنون جاس کشور هائیس بودیم که
داعش آراض را از آنها ربوده است...

